



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۲، بهار ۹۶

معرفی و کاربری نظریه عقلانیت اسنلن در سیاست‌گذاری تثبیت‌قیمت‌ها در ایران

ابراهیم برزگر^۱، صیاد حسین زاده^۲

چکیده

این پژوهش با هدف معرفی و آزمون عملی مدلی از سیاست‌گذاری نوشته شده است که می‌تواند برخی از چالش‌های مهم پیش روی سیاست‌سازان از قبیل گسیختگی مرحله تدوین از اجرا، نبودن تئوری مطلوب برای سیاست‌گذاری و عدم تجمیع بازخوردهای شکل گرفته جوامع علمی و منتقدان-را مرتفع کند یا کاهش دهد. محققان تلاش می‌کنند به معرفی چارچوبی بپردازند که بتواند الزامات زمان سیاست‌گذاری و بعد از سیاست‌گذاری را پوشش دهد. بدین منظور، در پژوهش کنونی سعی شده است «نظریه عقلانیت ترکیبی ایگنیس اسنلن»، به‌عنوان مدل مطلوب مدنظر محققان، در یک مطالعه موردی بر روی قانون «تثبیت‌قیمت‌ها» آزمایش شود و راهبردهای آن برای سه مقام طراحی، اجرا و بازخورد استخراج گردد. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای مصاحبه‌ای و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی-ساختاری است. یافته‌ها توانایی این چارچوب نظری در ترمیم گسیختگی دو مرحله طراحی نظری و کاربری عملی سیاست‌ها را تأیید می‌کند، که هم‌زمان می‌تواند بستری مناسب برای تجمیع نظرهای خبرگان مختلف در مرحله تحلیل و بازخورد نیز باشد.

کلیدواژه‌ها: اصلاح ماده ۳ برنامه چهارم توسعه، تثبیت قیمت‌ها، سیاست‌گذاری، عقلانیت اسنلن، عقلانیت اقتصادی، سیاسی، حقوقی، علمی.

۱. مقدمه

سیاست‌گذاری شامل دو مقام تدوین و اجراست که هرچند با هم تفاوت دارند، اما باید توجه کرد که مرحله «تدوین» مقدم و بسترساز مرحله «اجرا» است و موفقیت در مرحله «اجرا» نیز در گرو مطلوبیت مرحله

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی؛ رایانامه: barzegar.2010@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: sayadhoseinzadeh@yahoo.com



«تدوین» است. این رابطه ضمن اینکه همبستگی فرایند سیاست‌گذاری را نشان می‌دهد، بیانگر توجه به الزامات مرحله اجرا در مقام تدوین است. هرچند مدوّنان و کارشناسان سیاسی الزامات اجرایی را به مجریان امر سپرده‌اند اما در پژوهش حاضر، محققان بر آن هستند که اهمیت توجه به مقوله اجرا در مرحله تدوین را با توجه به چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاری به سیاست‌سازان و کارشناسان سیاسی یادآور شوند. سیاست‌سازان اغلب موانع سر راه موفقیت سیاست‌های اتخاذشده را به مجریان امر نسبت داده و مدعی‌اند که سازوکارهای اجرایی مورداستفاده مجریان، متناسب با محتوای سیاست نبوده است. اگرچه با این دلیل می‌توانند توجه منتقدان را به سوی مجریان سوق دهند و از زیر هجمه‌های تحلیلی گران‌شانه خالی کنند، اما نباید فراموش کرد که این به بهای عدم تحول در سیاست‌گذاری است و طبیعتاً در آینده نیز سیاست‌های ناکارآمدی اتخاذ خواهد شد؛ مگر اینکه مسیر توجهات علمی را از مقوله اجرا به مقوله تدوین تغییر دهیم. این تحول ضمن اینکه نگاه‌های منتقدان و مجامع علمی را به مقوله تدوین و محتوای سیاست‌گذاری متوجه خواهد کرد، موجب خواهد شد که مدوّنان نیز خود را در اجرای درست و یا نادرست سیاست‌ها مسئول بدانند.

محققان در این پژوهش قصد دارند با معرفی الگوی «عقلانیت ترکیبی اسنلن»، هم نقش مدوّنان در مقوله اجرا را روشن سازند و هم گسیختگی مرحله اجرا از تدوین را ترمیم کنند. هرچند پژوهشگران قبلاً در پژوهشی مشابه با مورد پژوهی هدفمند کردن یارانه‌ها به این الگو پرداخته‌اند، اما در اینجا امکان‌های دیگر این مدل نظری همچون تجمیع بازخوردهای شکل گرفته و توانایی آن در هضم بازخوردها- نیز مورد توجه است. در واقع، این پژوهش با مورد پژوهی متفاوت، الزامات حین و بعد از سیاست‌گذاری را توأمان پوشش خواهد داد؛ یعنی ضمن توجه به گسیختگی مقام تدوین از مقام اجرا در سیاست‌گذاری، به الزامات بعدی آن نظیر تجمیع بازخوردهای متخصصان در قالب انتقاد، پیشنهاد و بعضاً راهکار نیز توجه دارد. در پژوهش‌های مشابه قبلی محققان - همچون مقاله «بررسی عقلانیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران مطالعه موردی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها»^۲ و پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نظریه عقلانیت و مصوبات عدالتی مجلس شورای اسلامی دوره هفتم و هشتم» (حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۷-۱۱) - به پیشینه پژوهش به تفصیل اشاره شده است که نشان می‌دهد در عرصه سیاست‌گذاری با فقر تئوریک مواجه هستیم. در واقع، مسئله‌واره سیاست‌سازان از یک جهت به نداشتن تئوری‌های مناسب برای تصمیم‌گیری بر می‌گردند و از طرف دیگر به انباشت تحلیل‌های متفاوت و بعضاً متعارض که سیاست‌سازان را با ابهام روبه‌رو ساخته است. بنابراین، کوشش می‌شود با معرفی و کاربری چارچوب نظری عقلانیت ترکیبی اسنلن بر روی قانون تثبیت قیمت‌ها، اهمیت توجه به الزامات مقوله اجرا در مرحله تدوین بررسی شود و در نتیجه آن که بیش گسیختگی دو مرحله تدوین و اجرا کاهش یابد و الزامات پساسیاست‌گذاری نیز مورد توجه قرار بگیرد.

۲. روش‌شناسی

روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای (غیرساختارمند) است. غیرساختارمند برای اینکه اطلاعات به‌دست‌آمده از یک مصاحبه غیرساختارمند کاملاً خودانگیخته است و انطباق بیشتری با واقعیت دارد (برزگر و حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۹). روش کتابخانه‌ای نیز برای بخش معرفی چارچوب نظری و روش مصاحبه‌ای برای کاربری عملی چارچوب موردنظر، استفاده خواهد شد. مطابق روش مصاحبه‌ای، قرار است برای عملیاتی کردن چارچوب عقلانیت اسنلن بر روی قانون تثبیت قیمت‌ها، به‌صورت حضوری و عمقی، نظرهای متخصصان حوزه‌های عقلانیت چهارگانه (سیاسی، اقتصادی، قانونی و حرفه‌ای) مندرج در چارچوب عقلانیت اسنلن را جویا شوند. جامعه آماری مصاحبه‌شوندگان به‌منظور تسریع در فرایند پژوهش

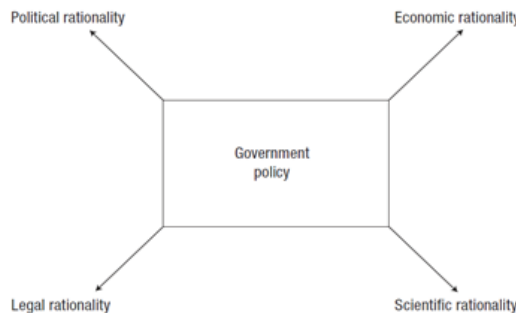
۲. برزگر، ابراهیم و صیاد حسین‌زاده. (۱۳۹۵). «بررسی عقلانیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران: مطالعه موردی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها». فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۲، شماره ۱، صص ۵۱-۷۹.



و اعتبار داده‌های کسب‌شده به بیست متخصص مرتبط محدود است؛ یعنی برای هر حوزه عقلانیت پنج متخصص مدنظر قرار گرفته است. برای نمونه، برای حوزه عقلانیت سیاسی پنج متخصص رشته علوم و برای حوزه عقلانیت اقتصادی نیز پنج اقتصاددان مسلط به موضوع پژوهش انتخاب خواهد شد. از آنجا که انتظار نمی‌رود همه دانش‌آموختگان علوم سیاسی به قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، به‌ویژه قانون موردنظر و ابعاد سیاسی آن پرداخته و صاحب‌نظر باشند، ناگزیر ماهیت و شیوه انتخاب مصاحبه‌شوندگان قضاوتی و غیرتصادفی خواهد بود؛ چراکه تنها افراد خاصی قادر به ارائه اطلاعات موردنظر ما خواهند بود. از آنجا که روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ای و به‌صورت شفاهی خواهد بود، مقتضی است که روش تجزیه و تحلیل نیز کیفی باشد. روش کیفی خود شامل تحلیل کمی، ساختاری و تفسیری است. در تحلیل کمی متن نوشتاری مصاحبه‌ها رمزگذاری و شمارش می‌شود و با استفاده از روش‌های آماری تحلیل می‌گردد. در تحلیل ساختاری متن نوشتاری، برحسب تعداد واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم و میزان تکرار آن‌ها شمارش و تحلیل می‌شود. در تحلیل تفسیری، پژوهشگر درصدد است که پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه را آشکار سازد و براساس آن، نظریه از قبل تعیین‌شده‌ای را توسعه دهد یا نظریه زمینه‌ای را ارائه دهد (کریمی، ۱۳۹۲: ۷۱). با توجه به تعریف فوق، محققان نوع دوم تحلیل کیفی، یعنی کیفی‌ساختاری، را در نظر خواهند داشت تا به مدد آن، داده‌های کسب شده تجزیه و تحلیل و نتایج مورد نیاز برای پیشگیری از چالش‌های پیش‌گفته به سیاست‌سازان و کارشناسان سیاسی ارائه شود.

۳. معرفی نظریه عقلانیت اسنلن

ایگنیس اسنلن،^۴ محقق برجسته مدیریت دولتی، با توجه به رویکرد پنجم پست‌مدرنیسم یعنی عدم وجود ابرعقلانیت،^۵ سعی می‌کند مدلی ارائه دهد که در آن الزامات مختلف عقلانیت‌های بازیگر در عرصه سیاست‌گذاری مورد خدشه قرار نگیرد و یا یکی بر دیگری اولویت نیابد (Snellen, 2002: 326). به نظر این محقق، هر رویکردی در سیاست‌گذاری باید الزامات عقلانیت چهارگانه اقتصادی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای (عملی) را رعایت کند. به عقیده اسنلن، چهار رویکرد مذکور باهم مرتبط‌اند و در اساس، اولویتی نسبت به هم ندارند؛ بلکه برحسب شرایط هر یک از جنبه‌ها می‌تواند بر دیگر جنبه‌ها اولویت پیدا کند (Snellen, 2002: 325). وی الگوی مدنظر خود را مطابق شکل ۱ مفهوم‌سازی می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی عقلانیت ترکیبی اسنلن

منبع: Snellen, 2002: 331

4. Ignace Snellen
5. super rationality



عقلانیت سیاسی.^۶ براساس این عقلانیت، ماده اولیه علم سیاست کشمکش بر سر سیاست است. در این کشمکش، قدرت متقاعدسازی طرف مقابل با روبه‌های رأی‌دهی و قدرت قانون‌گذاری انجام می‌شود. این کشمکش سیاسی از نزاع و ستیزه‌های سخت جلوگیری می‌کند و جامعه را از دیکتاتوری و الیگارش‌ی حفظ و آرامش جامعه را ممکن می‌سازد. یکی از عناصر این عقلانیت این است که حتی در یک سیستم دموکراتیک، دولت بتواند در عین ادعای برابری، توزیع نابرابر (منابع مختلف) را برقرار سازد. عنصر دوم عقلانیت سیاسی به استمرار قدرت فرد یا گروه‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری توجه می‌کند و بدین ترتیب بیان می‌کند که بدون توجه به این امر خطر عدم پذیرش سیاست توسط آن افراد و گروه‌ها اتفاق می‌افتد. عنصر سوم در این عقلانیت به یکپارچگی جامعه و مشارکت جمعی در حل مسائل عمومی توجه می‌کند. بنابراین، مشاهده می‌شود که با نادیده انگاشتن این عناصر کیفیت و پایداری جامعه و حکومت به مخاطره می‌افتد (Snellen, 2002: 327-328).

عقلانیت اقتصادی.^۷ از این حقیقت ناشی می‌شود که ابزار پاسخ به نیازها محدود است و هرچقدر از ابزار در دسترس استفاده اقتصادی‌تری شود، تعداد نیاز بیشتری را می‌توان پاسخ گفت. عناصر این عقلانیت به دو دسته تقسیم می‌شوند که شامل کارآمدی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان است. در بسیاری از سیاست‌های حکومتی، عنصر کارآمدی اقتصاد کلان بسیار مهم‌تر از اقتصاد خرد است. لزوم رعایت این نوع عقلانیت کاملاً بدیهی است و ضرورتاً باید به «اصول اقتصادی» و «انگیزه اقتصادی» نیز توجه کرد (Snellen, 2002: 329).

عقلانیت قانونی.^۸ سیاستی از عقلانیت قانونی برخوردار است که با اتکا به قانون اساسی و سایر قوانین، تدوین، اجرا، ارزیابی و تغییر و خاتمه یابد. براساس این نوع عقلانیت، دولت در پی توجه به الزامات قانونی است تا بدین‌وسیله «اطمینان قانونی» در رفتارهای دولت رعایت شود. اولین عنصر این نوع عقلانیت برابری در پیشگاه قانون است که ادعای حکومت در مورد برابری را توجیه می‌کند. عنصر دوم محافظت از بروز عمل خودسرانه، و عنصر سوم اطمینان یافتن از حداقل درجه خردمندی در اقدامات حکومت است که می‌تواند مکمل دیگر عناصر نیز باشد. شفافیت و انسجام در سیستم قانونی و رعایت این عناصر از الزامات رسمی و اساسی برای عقلانیت قانونی است و این وظیفه کسانی است که سیستم قانونی را به وجود آوردند و وظیفه حفظ آن را دارند (Snellen, 2002: 328-329).

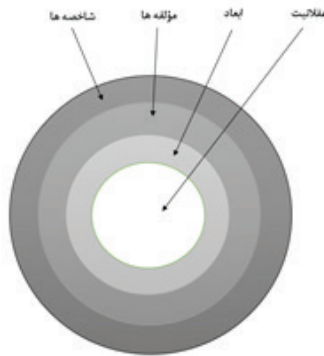
عقلانیت حرفه‌ای (علمی).^۹ مدنظر قرار دادن دانشی که از تجربیات عملی کسب می‌شود، دانش عملی در مورد الگوهای رفتاری در بخش‌ها و حوزه‌های سیاست و توجه به امکان‌سنجی مداخلات دولت از پیش‌فرض‌های یک سیاست‌گذاری عقلانی است. همچنین، در این عقلانیت جامعه‌شناسی سازمان‌ها، روان‌شناسی جامعه، علوم ارتباطات، شاخه‌های محور علوم اجتماعی و دانش فنی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این علوم مستقلاً بر اقدامات واقعی تکیه دارند (Snellen, 2002: 329-330).

اسنلن با سه حوزه عقلانیت سیاسی، اقتصادی و قانونی به مقام نظریه‌پردازی و الزامات آن توجه دارد؛ ولی در حوزه عقلانیت حرفه‌ای الزامات اقدامات عملی و علمی مورد توجه است که نشان می‌دهد که وی نیز در کنار معدود اندیشمندانی چون پرسمن و ویلداوسکی تمهیدات اجرایی در مرحله تدوین را مهم تلقی می‌کند. پرسمن و ویلداوسکی بزرگ‌ترین مشکل در اجرای سیاست‌ها را عدم توجه به تمهیدات خاص در مرحله شکل‌گیری آن تلقی می‌کنند (دنهارت، ۱۳۸۰: ۲۲۳). محققان دیگری نیز قبل از اسنلن سعی کرده‌اند عوامل مربوط به ناکارآمدی سیاست‌ها را صرفاً به مرحله اجرا محدود نکنند؛ دانشمندانی چون فرمن

6. political rationality
7. economic rationality
8. legal rationality
9. professional rationality



که می‌گفت: در حقیقت نکته کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری عمومی، فاصله بین سیاست‌ها و اجرای موفق آن‌هاست (Ferman, 1990: 48). هرچند پرسمن و ویلداوسکی به پر کردن خلأ «اجرا» در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی کمک کردند (Pressman and Wildavsky, 1973) با این حال به گواهی جیمز اسلاک تحقیقات حوزه اجرای سیاست، از اواسط دهه ۸۰ تا اواسط دهه اول قرن بیست و یکم میلادی پیشرفت چندانی نداشته است (Slack, 2005: 3). در هر صورت، تحقیقات انجام‌شده در مورد نحوه اجرای سیاست‌های عمومی به نتیجه واحدی رسیدند: عدم موفقیت در اجرای سیاست‌گذاری را نمی‌توان صرفاً به عملکرد مجریان تقلیل داد. این یافته پر ارزش مقدمه توجه به تمهیدات اجرایی در تدوین سیاست‌ها خواهد بود که در این پژوهش نیز پیگیری می‌شود. با توجه به مؤلفه‌های مطرح‌شده در متن هریک از عقلانیت‌های چهارگانه، محققان پرسش‌هایی را استخراج و در مصاحبه حضوری به کار خواهند برد؛ البته شایان ذکر است که پرسش‌های به‌دست‌آمده با سپهر سیاسی، اقتصادی، حقوقی و حرفه‌ای ایران منطبق شده است. این انطباق‌سازی در لایه چهارم الگو مطابق مدل زیر صورت گرفته و سعی شده است ضمن توجه به شاخصه‌های مختلف عقلانیت‌ها در جامعه ایران، از تغییر و دگرگونی چارچوب نظری اسنلن پرهیز شود. علت این انطباق‌سازی نیز به مقوله تفاوت و بعضاً تعارض در زیست‌بوم «مدون الگو» و زیست‌بوم «مصرف‌کننده الگو» برمی‌گردد. به عبارت دیگر، علوم انسانی وارداتی از خاستگاه غربی آن نمی‌تواند در بسیاری از عرصه‌ها مانند علوم سیاسی، اعتماد مخاطبین سیاست‌گذاری را تأمین کند یا به راحتی در دستگاه نظری و ذهنیت ایرانی و اسلامی پذیرفته شود (برزگر و حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۷) و علت اینکه محققان لایه‌های دیگر الگو را جرح و تعدیل نکردند نیز برمی‌گردد به مقام بهره‌گیری، یعنی پژوهشگران سعی کرده‌اند فعلاً در مقام مصرف‌کننده باشند.



شکل ۲. طبقه‌بندی لایه‌های مدل مفهومی عقلانیت ترکیبی اسنلن

۴. کاربرد عملی نظریه عقلانیت اسنلن

کوشش می‌کنیم مطابق مدل اسنلن، قانون تثبیت قیمت‌ها و یا اصلاح ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را که در دهه اخیر در مجلس اصول‌گرای هفتم در جلسه علنی سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده بود، واکاوی کنیم بیش از یک دهه از تصویب و اجرای قانون فوق می‌گذرد و بالغ بر صدها گزارش و تحلیل به مدونان و مراکز پژوهشی ارائه شده است. انباشت تحلیل‌ها و آسیب‌شناسی‌ها در کنار نداشتن الگوی متناسب جهت طبقه‌بندی این تحلیل‌ها موجب شده است که بازخوردهای صورت گرفته به نحو صحیح و راهبردی به مدونان و مسئولان انتقال نیابد. در این بخش، کوشش می‌شود با مراجعه به نخبگان چهار



عقلانیت مدل اسنلن، زوایای پنهان و آشکار قانون مذکور که به دلایلی هنوز کشف نشده و یا در قالبی مطلوب تجزیه و تحلیل و در اختیار مسئولان ذی‌ربط قرار نگرفته است، واکاوی و ارائه گردد.

قانون تثبیت قیمت‌ها و یا اصلاح ماده ۳ برنامه چهارم توسعه چیست؟ ماده ۳ برنامه چهارم توسعه به افزایش تدریجی قیمت سوخت طی ۵ سال تا رسیدن به قیمت «فوب» خلیج فارس می‌پردازد. در این ماده مهم که پس از تصویب مجلس ششم (۱۳۸۳/۶/۱۱) و شورای نگهبان شکل قانونی به خود گرفته بود، پیش‌بینی شده بود که در پنج‌ساله منتهی به سال آخر برنامه چهارم، قیمت حامل‌های انرژی تا سطح قیمت‌های عمده‌فروشی خلیج فارس واقعی شود (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳: ذیل ماده ۳). در واقع از اواخر دهه ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۸۳، دولت هر سال در لایحه بودجه درصدی بین ۵ تا ۲۵ درصد بر نرخ خدمات یا کالاهای شرکت‌های عظیم دولتی (پخش و پالایش فراورده‌های نفتی، مخابرات ایران، ملی گاز ایران و...) می‌افزود و نمایندگان مجلس اغلب با درخواست مدیران این شرکت‌ها موافقت می‌کردند. در تدوین قانون برنامه چهارم توسعه در نیمه اول ۱۳۸۳، مجلس و دولت وقت تصمیم گرفتند درباره فراورده‌های نفتی، به جای افزایش‌های تدریجی و سالانه، کار را یکسره کنند و به شرکت ملی پخش و پالایش اجازه دهند از ابتدای فروردین ۱۳۸۴، محصولاتش (بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره و...) را به نرخ فوب خلیج فارس (آزاد بین‌المللی) عرضه کند. این تصمیم به تصویب مجلس ششم رسید؛ اما مجلس هفتم در نخستین مصوبات خود، ماده ۳ قانون برنامه چهارم را حذف کرد. ماده‌ای که در صورت اجرا، شرکت ملی پالایش و پخش را مجاز می‌کرد قیمت بنزین را از لیتری ۸۰ تومان به لیتری ۳۲۰ تومان (به قیمت‌های آن روز) افزایش دهد؛ اما مجلس هفتم با این استدلال که این ماده قانونی تورم‌زا است، با تصویب اصلاحیه‌ای که بعداً نام «طرح تثبیت قیمت‌ها» به خود گرفت، آن را ملغی کرد. براساس طرح تثبیت قیمت‌ها، ماده سوم برنامه چهارم توسعه حذف شد و دولت مکلف شد قیمت بازده قلم کالا و خدمات دولتی چون قیمت بنزین، گاز، گازوئیل، آب، برق، مخابرات، فاضلاب و... را بر مبنای قیمت‌های تابستان ۱۳۸۳ محاسبه و از مردم اخذ کند. اکنون به‌دور از جنجال‌های سیاسی و رسانه‌ای بعد از ده سال به محک این قانون پرداخته خواهد شد.

۵. جمع‌آوری داده‌ها

۵.۱. عقلانیت اقتصادی، کد اختصاصی مصاحبه‌شوندگان (E)^{۱۰}

– قانون تثبیت قیمت‌ها به چه میزان رفاه شهروندان را تأمین کرده است؟

E¹: جلوگیری از افزایش بی‌رویه نرخ کالاهای انحصاری دولت نظیر بنزین، گازوئیل، نفت و...، به نفع همه شهروندان بود؛ وگرنه طبق ماده ۳ برنامه چهارم توسعه، قیمت انرژی به قیمت منطقه‌ای می‌رسید که شوک توری ۱۵۰ درصدی ایجاد می‌کرد.

E²: با این قانون مجلس هفتم توانست جلو تورم بالای ۴۰ درصد در سبد کالاهای خانوارهای ایرانی را بگیرد که این امر هم موجب تأمین رفاه مالی شهروندان شد و هم موجب کنترل بی‌رویه هزینه‌های دولتی گردید.

E³: باید توجه کرد که منابع مالی مورد نیاز این قانون از حساب ذخیره ارزی تأمین می‌شد و ناخواسته آثار تعدیلی برخی حامل‌های انرژی به دلیل کسری بودجه خنثی می‌گردید و این مسئله نه‌تنها مؤید کنترل تورم نبود بلکه به تورم دامن می‌زد.

E⁴: این قانون باعث ثبات و رونق اقتصادی در کشور شد و متعاقباً قدرت خرید و رفاه شهروندان افزایش می‌یافت؛ چراکه با این طرح قیمت آب، برق، تلفن و بنزین در سال ۸۴ ثابت ماند و برای مهر و موم‌های آتی هرگونه افزایشی مشروط شد.

۱۰. جهت صیانت از اطلاعات مصاحبه‌شوندگان، از افشای مشخصات پرهیز شده است؛ بنابراین به‌جای اسامی از کدهای اختصاصی مجزا برای هر حوزه عقلانی استفاده خواهد شد.

E⁵: این طرح مانع از افزایش نرخ اهم کالاهای اساسی مصرفی شهروندان و دولت شد؛ بیشتر شهروندان از آن بهره‌مند شدند.

– تأثیر قانون تثبیت قیمت‌ها بر درآمد ملی چقدر بوده است؟

E¹: با کنترل هزینه‌های مصرفی دولتی و هدایت منابع مالی به سمت توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی مندرج در تبصره ۱۳ بودجه ۱۳۸۵، ضمن افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی و اشتغال‌زایی داخلی، با افزایش درآمد ملی مواجه شدیم.

E²: حامل‌های انرژی همچون بنزین یک کالای تورمی است که اثربخشی آن در جامعه بسیار بالاست و وقتی تصمیم گرفته می‌شود که برای سال بعد قیمت آن تثبیت شود؛ یعنی کنترل تورم، کنترل تورم بر درآمد ملی تأثیر مثبت دارد.

E³: برداشت ۳/۳ میلیارد دلاری از حساب ذخیره ارزی و کاهش بیش از ۲۰۰/۰۰۰ شغل متعاقب این قانون در سال‌های اولیه، نشان‌دهنده کاهش درآمد ملی است.

E⁴: بعد از اجرای این قانون و در نتیجه ثبات و رونق اقتصادی شکل گرفته، شاهد عملکرد عقلانی عاملان اقتصادی داخل کشور بودیم که موجب رشد شاخص درآمد ملی شد.

E⁵: برنامه‌ریزی برای نرخ عرضه کالاهای اساسی بر اساس سطح قدرت خرید داخلی از یک‌طرف موجب حفظ قدرت خرید شهروندان و از طرفی دیگر تقاضا برای کالاهای داخلی همچنان محفوظ می‌ماند که باعث افزایش تولید و اشتغال می‌شود.

– میزان تأثیر قانون تثبیت قیمت‌ها بر اشتغال ملی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

E¹: توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی کشور به‌عنوان خدمت‌گانشین در نتیجه این قانون که در تبصره ۱۳ بودجه سال ۸۵ آمده است خود مؤید افزایش اشتغال و توان سرمایه‌گذاری داخلی است.

E²: تأثیر مثبت داشت؛ چراکه به دولت اجازه می‌داد عایدات حاصل از صرفه‌جویی در مصرف کالاهای مشمول این طرح را در بخش‌های تولید و اشتغال سرمایه‌گذاری کند.

E³: تأثیر منفی این طرح بر اشتغال مشهود بود. این طرح با تثبیت نرخ اهم کالاهای سوختی، هزینه‌های مربوط به بخش تولید و اشتغال که می‌توانست از محل درآمد افزایش تدریجی این کالاها عاید سرمایه‌گذاران شود را عملاً به صفر رساند.

E⁴: با بهره‌مندی صحیح دولت و عاملان اقتصادی از این قانون، بنگاه‌های تولیدی و اشتغال‌زا توانستند زمینه‌های جدید سرمایه‌گذاری و سود بیشتر را در دستور کار قرار دهند؛ از جمله آن تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۸۵ بود که بعداً به «قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت» تغییر یافت.

E⁵: این قانون خللی در روند سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی ایجاد نکرد بلکه با کاهش تورم و حفظ ارزش پول در جامعه، دولت و نهادهای ذی‌ربط اجازه سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی بیشتری پیدا کردند.

– رابطه قانون تثبیت قیمت‌ها با امنیت اقتصادی (مقاومت در برابر هجوم اقتصادی دشمن / ثبات اقتصادی داخلی) چگونه است؟

E¹: با تثبیت قیمت اقلام سوختی نظیر بنزین و گازوئیل و برق، رونق و ثبات اقتصادی و کاهش تورم به جامعه رو کرد که در نتیجه آن، هم از ورود کالاهای مشابه ارزان خارجی به داخل کاسته شد و هم امنیت اقتصادی داخلی حاصل گردید.

E²: از اهداف این قانون همین حفظ ثبات اقتصاد داخلی از طریق کنترل تورم و برنامه‌ریزی نرخ





کالاهای اساسی مصرفی دولت و شهروندان بود؛ به طوری که شهروندان در ۱۳۸۸ با کمترین میزان تورم و بالاترین قدرت امنیت اقتصادی مواجه شدند.

E³: دولت با طرح تثبیت قیمت‌ها مستمسکی برای دست‌اندازی به صندوق ذخیره ارزی ملی پیدا کرد و از طرفی دیگر، با تثبیت قیمت کالاهای سوختی داخلی و افزایش نرخ کالاهای سوختی خارجی، فساد اقتصادی داخلی رونق گرفت.

E⁴: تصویب طرح تثبیت قیمت کالاهای چون آب، برق، تلفن و بنزین و دیگر کالاهای اساسی موجب بالا رفتن امنیت اقتصادی در کشور شد.

E⁵: تأمین مصالح عمومی کشور در گرو اجرای این قانون بود و با تصویب این طرح هم‌دست سودجویان کوتاه شد و مصالح عمومی تأمین گردید که متعاقب آن امنیت اقتصادی نیز حفظ شد.

— میزان رعایت تحلیل‌های هزینه/منفعت در قانون تثبیت قیمت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

E¹: برآورد هزینه‌های تحمیلی به شهروندان در نتیجه اجرای ماده ۳ برنامه چهارم توسعه توسط نمایندگان مجلس هفتم که تورم ۱۵۰ درصدی را رقم می‌زد و جلوگیری از اجرای آن، نشانگر منفعت تصویب طرح تثبیت قیمت‌هاست.

E²: سود بیشتر و ضرر کمتر، چراکه منفعت‌های چون کاهش تورم، کنترل هزینه‌های مصرفی، کنترل رکود، بهینه‌سازی مصرف سوخت، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی برای صرفه‌جویی در مصرف بنزین و ... داشت.

E³: زبان‌هایی چون کاهش توان سرمایه‌گذاری، به خطر انداختن مصالح ملی و عمومی، افزایش بیکاری، افزایش تورم، ضد توسعه بودن، افزایش گستره فساد و قاچاق، افزایش رانت‌خواری، افزایش قدرت دولت در برابر شهروندان (اقتصاد دستور بنیان) از جمله زبان‌های وارد شده متأثر از اجرای این طرح بود.

E⁴: منافع حاصل از قانون موجب رونق اقتصادی، ثبات اقتصادی، بالا رفتن امنیت اقتصادی و تأمین رفاه شهروندان بود که در برابر هزینه‌های آن ناچیز به شمار می‌رود. بله این قانون هزینه‌های داشت و آن مخالفت شرکت‌های متصدی تأمین کالاهای مورد اشاره این طرح بود. البته می‌دانیم که هیچ قانونی وجود ندارد که متحمل هزینه‌هایی نگردد.

E⁵: این طرح برای جلوگیری از ضرر و زیان ماده ۳ برنامه چهارم مطرح شد و قرار بود برای صیانت از طبقات زیرین و فقیر جامعه و بهینه‌سازی مصرف سوخت این قانون جایگزین ماده ۳ برنامه توسعه چهارم شود.

۵.۲. عقلانیت سیاسی، کد اختصاری مصاحبه‌شوندگان (P)

— آیا قانون تثبیت قیمت‌ها توانسته است شهروندان طبقات بالای جامعه را برای توزیع منابع به نفع طبقات زیرین و کم‌درآمد اقناع کند؟

P¹: اقلام مشمول این قانون مخصوصاً بنزین جزء کالاهایی بودند که بیشتر طبقات اجتماعی مرفه و پردرآمد ماشین‌دار از آن بهره می‌بردند بنابراین تثبیت و ثابت نگه‌داشتن نرخ آن‌ها بیشتر به نفع شهروندان طبقه متوسط به بالا بود.

P²: مجلس هفتم با شعار حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جایگزین اصلاح‌طلبان مجلس ششم شد. این قانون نیز مؤید عمل به وعده توسط اصول‌گرایان در اوایل کار مجلس هفتم به شمار می‌رود؛ اما در عمل بیشتر اقشار متوسط به بالا از آن بهره بردند.

P³: این قانون را مجلس هفتم با هدف تخریب دولت وقت اصلاح‌طلب و به کرسی نشاندن اصول‌گرایان

در انتخابات دولت نهم، به تقریر در آورد.

P⁴: هم‌زمانی این قانون با اتمام دوران دولت آقای خاتمی و اوایل کار مجلس اصول‌گرایان هفتم، جنبه‌های کارشناسی این قانون را از نظر مدّوّان دور نگه داشت؛ بنابراین وعده حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در لایه‌لای رقابت سیاسی به خاک سپرده شد.

P⁵: اقلان یا عدم اقلان شهروندان ثروتمند برای توزیع ثروت بیشتر بین اقشار ضعیف، به نظر من، نه با قوانین شیک و خوش‌اسم، بلکه با اصول اخلاق سیاسی و اجتماعی ممکن می‌شود. برای همین این قانون در مرحله وعده دادن لباس عدالت به تن کرد ولی در واقعیت امر نتوانست از منافع طبقات محروم دفاع کند.

– پذیرش قانون تثبیت قیمت‌ها از طرف اصول‌گرایان چگونه بوده است؟

P¹: اکثریت حاضر در مجلس که اصول‌گرایان بودند از این قانون استقبال کردند و آن را بازیچه‌ای برای زیر فشار گذاشتن دولت وقت و تخریب مجلس قبلی (ششم اصلاح‌طلبان) قرار دادند؛ و موفق هم شدند به نحوی که دولت نهم با ریاست‌جمهوری فرد ناآشنایی عرصه سیاسی رقم خورد.

P²: جناح اصول‌گرایان این قانون را ابزار حمایت از اقشار محروم تلقی می‌کرد؛ به همین دلیل، با اکثریت آرا از آن حمایت و صیانت کردند که متأسفانه در عمل و در شرایط موجود آن زمان، این قانون به نفع رانت‌خواران و اقشار مرفه تمام شد.

P³: طیف اصول‌گرایان مجلس هفتم که اکثریت را تشکیل می‌دادند با هدف کسب کاخ ریاست‌جمهوری در انتخابات آتی، به تصویب قانون اصلاح ماده ۳ برنامه چهارم توسعه همت گماشتند که موفق هم شدند.

P⁴: اغلب نمایندگان این جناح و دیگر افراد مسئول و شاخص، موافق این قانون بودند و آن را روزنه‌ای برای موفقیت‌های سیاسی بعدی و نقطه مثبتی در کارنامه خود بشمار می‌آوردند.

P⁵: قانون تثبیت قیمت حامل‌های انرژی از ابتدا مدنظر اصول‌گرایان مجلس هفتم بود و اغلب نمایندگان این طیف از این قانون استقبال کردند. البته از طیف اصلاح‌طلبان هم افرادی در مجلس بودند که به صورت تلویحی به تصویب این قانون کمک کردند.

– موضع اصلاح‌طلبان نسبت به تصویب قانون تثبیت قیمت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

P¹: طیف اصلاح‌طلبان (مغلوبان مجلس هفتم) این قانون را بازیچه اصول‌گرایان برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده تصور می‌کردند و در پی تخریب آن برمی‌آمدند. از افراد شاخص این طیف می‌توان به رئیس‌جمهور وقت اشاره کرد.

P²: اصلاح‌طلبان برای حفظ موقعیت خود و غلبه بر رقیب سیاسی یعنی اصول‌گرایان، هرگونه اقدامی از طرف آن‌ها را محکوم به شکست معرفی می‌کردند؛ به نحوی که نمایندگان طیف اصلاح‌طلب مجلس هفتم، این قانون را لکه‌ای سیاه بر کارنامه اصول‌گرایان مجلس به شمار می‌آوردند.

P³: این طیف مخالف جدی این طرح بود؛ چراکه این قانون موجب شد به منافع ملی کشور ضرر برسد و دولت دچار کسری بودجه شد و بیش از ۸ هزار میلیارد تومان پول بدون پشتوانه چاپ کرد و به بازار ریخت که نتیجه آن تورم سرسام‌آور بود.

P⁴: کارشناسان اقتصادی و سیاسی طیف اصلاح‌طلب با موضع مخالف، در مقابل کارشناسان اقتصادی و سیاسی اصول‌گرایان به نقد این قانون پرداختند که متأسفانه طیف اصول‌گرایان بدون توجه به آن‌ها به تصویب و اجرای قانون اقدام کردند.

P⁵: بازیگران سیاسی اصلاح‌طلب برای رقابت با رقیب سیاسی خود به مخالفت با این طرح به پا خواستند بدون آنکه از مزایا و معایب این قانون مطلع باشند.





– حمایت شهروندان از قانون تثبیت قیمت‌ها چگونه بوده است؟

P¹: خبر مسرت‌بخش رئیس مجلس شورای اسلامی در نزدیکی عید نوروز مبنی بر عدم افزایش قیمت کالاهای مصرفی انرژی، عموم شهروندان را خرم و خرسند گرداند.

P²: مردم از اینکه قیمت گاز و برق و تلفن و بنزین برای سال آتی افزایش نخواهد یافت خوشحال شدند و به قول رئیس مجلس وقت، عیدی خوبی از مجلس هفتم گرفتند.

P³: عموم شهروندان متوسط به پایین علمی جامعه از خبر ثابت بودن قیمت کالاهای مهمی چون بنزین و برق و گاز و... خوشحال شدند و از عواقب آن چندان مطلع نبودند؛ بنابراین از آن استقبال کردند.

P⁴: اکثر مردم از این قانون استقبال کردند اما آن دسته از شهروندانی که به‌نحوی به تولید و عرضه و فروش این کالاها مشغول بودند از این خبر چندان استقبال نکردند و حتی شرکت‌های عظیم متصدی دولتی این قانون، به اعتراض و انتقاد پرداختند.

P⁵: مردم با شنیدن خبر ثابت ماندن قیمت کالاهای اساسی روزمره، بسیار خوشحال شدند و آن را اقدامی انقلابی در برابر زیاده‌خواهی‌های دولت وقت تلقی می‌کردند.

– آیا قانون تثبیت قیمت‌ها موجب حضور بیشتر مردم در صحنه‌های سیاسی شده است؟

P¹: بدون شک، استقبال عظیم مردم از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، متأثر از سیاست‌های اقتصادی تثبیت قیمت‌ها در مجلس هفتم بود که موجب پیروزی اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری گردید.

P²: قانون تثبیت قیمت‌ها که اقدامی در جهت صیانت از حقوق شهروندان بود خود موجب رضایت آن‌ها از دستگاه سیاسی شد و متعاقب آن، میزان مشارکت سیاسی شهروندان افزایش یافت.

P³: با جوسازی‌های مدوّنان این قانون، مردم فکر کردند که دیگر گرانی، تورم و رکود حل خواهد شد و ارزانی خواهد آمد و در نتیجه طیف اصول‌گرا در سال بعد که انتخابات ریاست جمهوری بود با دخالت دیگر عوامل بیشترین اقبال مردمی را کسب کرد.

P⁴: قانون تثبیت قیمت‌ها هم به جهت ثابت نگه‌داشتن نرخ کالاهای اساسی مورد مصرف مردم موجب رضایت شهروندان و در نتیجه موجب استقبال بهتر از فعالیت‌های سیاسی شده بود.

P⁵: اصول‌گرایان با تصویب قانون مذکور جایگاه خود را در بین مردم تقویت کردند و در نتیجه توانستند بر حضور و مشارکت زیاد شهروندان هم تأثیر مثبت بگذارند.

– نقش قانون تثبیت قیمت‌ها در گرایش‌های گریز از مرکز و جدایی‌طلبی اقوام به چه اندازه بوده است؟

P¹: این قانون مشمول کالاهای اساسی می‌شد که همه شهروندان مخصوصاً شهروندان مناطق محروم از ثابت ماندن نرخ آن‌ها خوشحال شدند و این عاملی شد در جهت گسترش رابطه دولت-ملت در این مناطق، نه جدایی و گسست.

P²: نقش مانع را بازی می‌کرد؛ چراکه با تصویب قانون تثبیت قیمت‌ها، قدرت خرید و رفاه اقتصادی خانوارهای مناطق محروم و دورافتاده نیز افزایش یافت و به‌نوبه خود گرایش‌های گریز از مرکز را در این مناطق کاهش داد.

P³: این قانون توانست به‌صورت کوتاه‌مدت اذهان شهروندان جامعه را تسخیر و وانمود کند که این قانون موجب توسعه و آبادانی و تضمین حقوق شهروندان خواهد شد و این وعده‌های عملی نشده در بازه زمانی انتخابات ۱۳۸۴ موفق به گسترش میدان فعالیت سیاسی در مناطق محروم و حاشیه‌ای شد.

P⁴: موجب جلب نظر شهروندان و رضایت آن‌ها از عملکرد دولت و نظام شد و هرگونه شایعاتی از قبیل عدم توجه دولت به مردم و... را خنثی کرد و در نتیجه باعث افزایش اعتماد و رضایت مردم از دولت شد.



P⁵: به نظرم این قانون با ثابت نگه داشتن قیمت کالاها و خدمات اساسی از قبیل برق و بنزین و گاز و... توانست رضایت حداکثری شهروندان را از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ کسب و در خدمت فعالیت‌های دولت قرار دهد.

۳,۵. عقلانیت قانونی، گد اختصاری مصاحبه‌شوندگان (R)

– آیا قانون تثبیت قیمت‌ها موجب تبعیض بین طبقات داخلی شده است؟

R¹: توزیع منابع با یک قیمت به همه طبقات و شهروندان بدون توجه به عایدات اقتصادی آنان تبعیض و ظلم است، هر چند این کالاها با قیمت کم مدتی ثابت بمانند.

R²: این قانون مشمول شهروندان دارا و ثروتمند نیز شده است و این با عدالت اجتماعی منطبق نیست که قیمت تمام‌شده بنزین به همان قیمتی به شهروند محروم عرضه شود که به شهروند ثروتمند عرضه می‌گردد.

R³: در علم حقوق، تبعیض به معنای در نظر نگرفتن موقعیت مختلف شهروندان و توجه یکسان به موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری‌هاست. قانون تثبیت قیمت‌ها هم از این دسته قوانینی بود که به یک میزان همه شهروندان از آن بهره بردند.

R⁴: در ایران، فاصله طبقاتی رضایت‌بخش نیست؛ برای همین، هر قانونی که موجب نادیده گرفتن این فاصله شود موجب اشاعه بی‌عدالتی خواهد بود. گرچه شهروندان طبقات محروم متوجه این بی‌عدالتی نشدند و از این قانون استقبال کردند.

R⁵: وقتی همه شهروندان فارغ از میزان درآمد و وضعیت معیشت به یک اندازه هزینه پرداخت می‌کنند، این بی‌عدالتی است و به نظرم باید آنان که درآمد بیشتری دارند نسبت به کم‌درآمدها هزینه بیشتری برای تأمین کالاهای موردنیاز متحمل بشوند.

– استثنا قائل شدن بدون توجیه منطقی در قانون تثبیت قیمت‌ها به چه میزان بوده است؟

R¹: همان‌طور که گفتم توزیع برابر منابع با یک قیمت به همه اقشار بدون توجه به وضعیت اقتصادی خانوارها، ظلم است و این اقدامی سلیقه‌ای و بدون توجیه منطقی است.

R²: توزیع منابع انرژی به اقشار پردرآمد به نرخ اقشار محروم هیچ پشتوانه منطقی ندارد و دولت مجبور است یارانه متعلق به طبقات محروم را به اقشار ثروتمند نیز اختصاص دهد.

R³: عدم توجه به اختلاف طبقات اجتماعی و اقتصادی در تدوین قوانین و سیاست‌گذاری نمونه بارز استثنا قائل شدن به نفع طبقات ثروتمند و داراست که بیشتر جنبه سلیقه‌ای دارد نه منطقی.

R⁴: چنان‌که بیان کردم مادر ایران فاصله طبقاتی رضایت‌بخشی نداریم و هرگونه بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن هم بی‌عدالتی است و هم موجب فساد و ناهنجاری بیشتری می‌شود. این قانون هم بدون در نظر گرفتن فاصله طبقاتی و بدون هیچ توجیه منطقی، قیمت کالاها را برای همه شهروندان ثابت نگه داشت و به نوبه خود به بی‌عدالتی دامن زد.

R⁵: خروجی غیرمنطقی این قانون در وهله اول مشخص بود؛ چراکه برای تأمین منافع طبقات محروم، قیمت کالا و خدمات مهم و اساسی همچون گاز و نفت و بنزین و قیر و برق و... را برای همه به یک اندازه ثابت نگه داشت، درحالی‌که می‌توانست طبقات محروم را ثابت و برای طبقات برخوردار طبق الگوی هرساله افزایش دهد.

– انطباق قانون تثبیت قیمت‌ها با قوانین دیگر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

R¹: تثبیت قیمت حامل‌های انرژی ناخواسته کنترل مصرف آن را از دست خارج می‌کند و در درازمدت، که اکنون شاهد آن هستیم، موجب افزایش مصرف انرژی در کشور می‌شود و خدمات جبران‌ناپذیری بر



محیط زیست وارد می‌کند که هر دو این‌ها هم با قانون اساسی و هم با سند چشم‌انداز آتی هم‌خوانی ندارد. **R²**: حمایت از اقشار محروم و کم‌درآمد که از اهداف این قانون بود از جمله اهداف اصلی قانون اساسی و اهداف برنامه چهارم و پنجم توسعه و سند چشم‌انداز است اما در مرحله اجرا که در بخش تبعیض گفتم خلاف قانون اساسی است.

R³: از جمله وظایف دولت و مجلس صیانت از حقوق شهروندان است که این قانون نیز بدان صحنه گذاشته و درصدد اجرای عدالت و کاهش فقر است. اما در طولانی‌مدت به دلیل مصرف انرژی بیش از اندازه، محیط زیست متضرر شد که با اصل ۵۰ قانون اساسی یعنی ممنوعیت فعالیت‌های مخالف محیط زیست، مغایرت داشت.

R⁴: در متن قانون تثبیت قیمت‌ها هیچ ماده و بند مخالف با قانون اساسی وجود ندارد اما در مرحله اجرا و عملیاتی برخی کاستی‌ها وجود دارد که ناخواسته شرایط خلاف قوانین بالادستی را رقم می‌زند. **R⁵**: دامن زدن به تبعیض و بی‌عدالتی و توجه نکردن به ظرفیت‌های شهروندان در توزیع کالا و خدمات مشمول این قانون، خلاف روح و ماهیت و اهداف قوانین اساسی و بالادستی است.

– دولت‌ها چقدر به قانونمندی سازی قانون تثبیت قیمت‌ها همت گماشته‌اند؟

R¹: این قانون فقط در دولت نهم اجرا شد و در دولت دهم جای خود را به سهمیه‌بندی بنزین و سپس قانون یارانه‌ها داد. در همین دولت نهم نیز اقدامات خلاف قانون به یاد ندارم.

R²: دولت منتخب در اجرای این قانون کوتاهی نکرد و به شرکت‌های متصدی وابسته به دولت که به کار تولید کالاهای مشمول قانون مشغول بودند، دستور تثبیت قیمت‌ها را داد و حتی برای سال‌های آتی نیز طرح افزایش قیمت‌ها با توجیه منطقی را هم ارائه نداد.

R³: هماهنگی بین نهادها و قانونمندی سازی برای اجرای مناسب تثبیت قیمت‌ها در دولت وقت که اواخر دوران خود را می‌گذراند، چندان خوشایند نبود؛ چون دولت مخالف قانون بود اما دولت نهم که از موافقان بود در اجرای آن از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد.

R⁴: دولت به اجرای آن همت گماشت و طبق مصوبه مجلس، قیمت کالاهای اساسی حامل انرژی تا پایان شهریورماه ۱۳۹۴ طبق قیمت پایان شهریور ۱۳۹۳ تعیین شد.

R⁵: تثبیت قیمت‌ها با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان، به صورت قانونی درآمد‌ها بود و دولت موظف به رعایت قانونی آن بود. هرچند دولت وقت از این قانون استقبال نکرد اما دولت نهم برای اجرای آن اقدامات لازم را به عمل آورد.

– توجه به سازوکارهای اجرایی قانونمندی در این سیاست به چه میزان بوده است؟

R¹: اساساً در متن قانون، مرحله اجرا مورد بررسی و اشاره قرار نمی‌گیرد؛ برای همین به سازوکارها و مکانیزم‌های اجرایی مبتنی بر قانون نیز در آن اشاره نشده بود.

R²: مجلس شورای اسلامی قبل از تصویب قوانین در گروه‌های مربوط به ابعاد اجرایی نیز توجه می‌کند اما هنگام تدوین در متن قانون ذکر نمی‌شود؛ برای همین مجریان متصدی نیز بعضاً به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کنند و کارآمدی آن را با بحران مواجه می‌سازند.

R³: یکی از وظایف نمایندگان نظارت بر عملکرد اجرایی قوانین توسط نهادهای مجری است و همین وظیفه نمایندگان را و می‌دارد نسبت به سازوکارهای قانونی اجرای قوانین حساس باشند؛ به همین دلیل، در اجرای این قانون نیز نمایندگان مجلس به کار نظارت توجه داشتند.

R⁴: نهاد متصدی به خصوص دولت به خاطر پاسخ‌گویی به مجلس شورای اسلامی سعی دارد که قانون



مصوب مجلس را به خوبی اجرا کند. برای همین از سازوکارهای قانونی بهره خواهد گرفت.
R⁵: قانون‌سازان با فرض توجیه بودن مجریان متصدی، سازوکارهای اجرایی را در تدوین قوانین مورد نظر قرار می‌دهند که نتیجه آن موفق نشدن در عمل است.

۴.۵. عقلانیت حرفه‌ای؛ کد اختصاری مصاحبه‌شوندگان (G)

– مکانیزم‌ها و مدل‌های ارتباطی در قانون تثبیت قیمت‌ها به چه میزان مورد توجه قرار گرفته است؟
G¹: قانون مذکور مؤید بی‌توجهی تئوریسین‌ها به مکانیزم‌های ارتباطی برای بهبود مرحله اجراست. این بی‌توجهی میزان موفقیت قانون مذکور را به شدت کاهش می‌دهد.

– نحوه ابلاغ دستورها و ارائه گزارش‌ها در قانون تثبیت قیمت‌ها به چه میزان پیش‌بینی شده است؟
G¹: متأسفانه در این قانون نیز همچون دیگر قوانین مصوب، به استثنای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، در متن قانون به سازوکارهای ارسال و دریافت دستورها و گزارش‌ها توجهی نشده است و به‌واقع پل ارتباطی تدوین‌کنندگان با مجریان قطع شده است.

– آیا به هنگام تقنین قانون تثبیت قیمت‌ها، به نحوه تعامل بین نهادها و ساختارها مجری توجه شده است؟

G¹: دولت به نحو مقتضی متصدی اجرای این قانون شد. به همین علت، رابطه بین نهادها و دستگاه‌های دولتی مدنظر قانون مذکور بود؛ اما چنان‌که مشهود است به نحوه تعامل این نهادها اشاره نشده و آن را در اختیار نهاد مجری یعنی دولت گذاشته‌اند.

– میزان بهره‌مندی از نظریه‌های جامعه‌شناسی سازمان در قانون تثبیت قیمت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

G²: جامعه‌شناسی سازمان با هدف به‌کارگیری و بسیج همه منابع موجود برای رسیدن به هدف معین شده، سعی دارد همه توان موجود را در اختیار دستیابی به نیاز قرار دهد. به‌هر تقدیر، از امکانات این دانش در تدوین قوانین بهره گرفته نمی‌شود.

– آیا در تقنین قانون تثبیت قیمت‌ها از نظریات روان‌شناسی اجتماعی استفاده شده است؟
G³: نظریه‌های زیادی در روان‌شناسی اجتماعی وجود دارد که مؤید بازتاب روانی جمعی شهروندان در قبال تصمیمی مسئولان و مجریان است که می‌تواند برای بهبود عملکرد متصدیان مفید باشد، اما متأسفانه نه صرفاً در این قانون، بلکه به جرئت می‌توان گفت در اغلب قوانین مجلس مورد اغماض قرار گرفته و از نظر دورنگه داشته شده است.

– نقش افراد متخصص در تقنین قانون تثبیت قیمت‌ها چقدر است؟

G⁴: این قانون دست‌پخت اساتید علوم اقتصاد معتبری بود که در مجلس هفتم نشان عقل کل هم گرفته بودند. این اساتید اقتصاددانان با ارائه این قانون و تصویب آن از کارشناسی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پیرامون آن چشم پوشیدند که به خاطر بازی‌های سیاسی حاکم بر مجلس هفتم، در اسرع وقت با کسب آرای اکثریت تصویب و اجرایی شد.



– میزان بهره‌مندی از تجربه‌های مشابه در زمینه سیاست‌گذاری را در تدوین قانون تثبیت قیمت‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟
G⁴: اکنون که یک دهه گذشته است، با اطمینان خاطر می‌توان گفت که هیچ پشتوانه تجربی در آن نقش نداشت؛ چراکه اصلاح ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه یک توطئه سیاسی برای براندازی رقیب انتخاباتی ریاست‌جمهوری آینده بود.

– در تقنین قانون تثبیت قیمت‌ها، به آموزش کارگزاران مرتبط چه میزان توجه شده است؟
G⁵: علی‌الاصول نقش کارگزاران در تدوین قوانین به فراموشی سپرده شده است. برای همین، ارتقای کیفیت عملکرد آنان نه در نظر تدوین‌کنندگان و نه در متن قوانین مورد اشاره قرار می‌گیرد.

– چه میزان در مورد قانون تثبیت قیمت‌ها، قبل از تصویب پژوهش نظری انجام شده است؟
G⁵: جدال‌های زبانی زیادی از جانب موافقان و مخالفان در مجلس و توسط رسانه‌های چاپی و دیجیتالی مطرح شد که فارغ از این‌ها کمی هم پژوهش‌های علمی و کارشناسی شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس تقدیم نمایندگان شد که به نظرهای موافقان و مخالفان دامن می‌زد.

– آیا از علوم نظری و عملی در دسترس، در تقنین و تصویب قانون تثبیت قیمت‌ها استفاده شده است؟
G⁵: تئوریسین‌ها و موافقان از افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی و علمی کشور هستند؛ اما این که از همه امکانات علمی موجود و در دسترس استفاده شده باشد، باید بگوییم که خیر؛ چراکه به جز علوم اقتصادی و سیاسی نمایندگان و موافقان به دیگر دانش‌های موجود و مورد ضرورت همچون فرهنگ و اخلاق و ارتباطات و امنیت و... توجهی نداشتند.

– چه سیاست‌های دیگری برای بهبود اجرایی این سیاست در نظر گرفته شده و با اعمال گردیده است؟
G⁵: توسعه زیرساخت حمل‌ونقل عمومی کشور که در تبصره ۱۳ بودجه سال ۱۳۸۵ مورد توجه قرار گرفت یکی از سیاست‌های مکمل بود و بالاخره بعد از مدتی به «قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت» تغییر نام یافت؛ و این از جمله پایه‌های کمکی برای تقویت و موفقیت این قانون بود.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶.۱. بررسی میزان رعایت عقلانیت اقتصادی در قانون تثبیت قیمت‌ها
 عقلانیت اقتصادی بیانگر این است که در قانون مذکور الزامات عقلانیت اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. از پنج صاحب‌نظر حوزه اقتصادی، چهار تن بر رعایت عقلانیت اقتصادی در این قانون و یک نفر بر غفلت از این عقلانیت در تدوین قانون مذکور تأکید داشت. رتبه‌بندی گزاره‌های مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد که قانون تثبیت قیمت‌ها در عرصه اقتصادی موفقیت‌آمیز عمل کرده است. «رفاه شهروندان»، «امنیت اقتصادی»، «افزایش درآمد ملی» گزاره‌های «افزایش اشتغال» از جمله گزاره‌هایی هستند که مورد توجه صاحب‌نظران قرار داشتند. نکته اساسی این است که رابطه گزاره‌های جدول ۱ یک رابطه هم‌افزایی است؛ یعنی افزایش اشتغال وقتی رتبه اول در جدول را دارد نمی‌توان انتظار داشت که کاهش اشتغال در رتبه دوم قرار گیرد؛ چراکه رفاه شهروندان، امنیت اقتصادی و... هستند که در رابطه هم‌افزایی با گزاره افزایش اشتغال قرار دارند.

جدول ۱. رتبه‌بندی گزاره‌های وضعیت عقلانیت اقتصادی در قانون تثبیت قیمت‌ها

ردیف	گزاره‌های مورد توجه	جامعه آماری	ردیف	گزاره‌های مورد توجه	جامعه آماری
۱	رفاه شهروندان	۴	۴	تقویت امنیت اقتصادی	۴
	عدم رفاه شهروندان	۱		تضعیف امنیت اقتصادی	۱
	خنثی	۰		خنثی	۰
۲	افزایش درآمد ملی	۴	۵	سود بر مبنای تحلیل هزینه و منفعت	۴
	کاهش درآمد ملی	۱		زیان بر مبنای تحلیل هزینه و منفعت	۱
	خنثی	۰		خنثی	۰
۳	افزایش اشتغال ملی	۴	۰		
	کاهش اشتغال ملی	۱			
	خنثی	۰			

۲.۶. بررسی میزان رعایت عقلانیت سیاسی در قانون تثبیت قیمت‌ها

عقلانیت سیاسی در الگوی پژوهش بر توانایی توزیع نابرابر منابع مختلف در عین ادعای برابری به نفع طبقات محروم، توجه به استمرار قدرت فرد یا گروه در فرایند سیاست‌گذاری، یکپارچگی جامعه و مشارکت جمعی در حل مسائل عمومی تأکید داشت. در جدول ۲ گزاره‌های ۲ و ۳ نشانگر موضع اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان بر سر قانون تثبیت قیمت‌ها است که نشان می‌دهد این قانون در یک بازی سیاسی از استقبال جناح رقیب (اصلاح‌طلب) محروم بوده است که موفقیت آن در عرصه اجرایی را کم و بیش مورد خدشه قرار دهد. گزاره‌های ۴، ۵ و ۶ از گسترش میدان اقتدار سیاسی دولت نهم و مجلس هفتم خبر می‌دهد؛ یعنی دولت و جناح حامی این قانون توانسته است مشروعیت سیاسی و دینی خود در جامعه را بهبود ببخشند. رابطه گزاره‌های زیر نیز یک رابطه هم‌افزایی است. در واقع جذب مردم به صحنه سیاسی وقتی در رتبه اول قرار دارد، انتظار می‌رود گزاره‌های «حمایت شهروندان» و «کاهش گرایش‌های گریز از مرکز» نیز در جدول رتبه‌بندی بالایی کسب کنند؛ بنابراین کارنامه عقلانیت سیاسی این قانون همانند کارنامه اقتصادی‌اش درخشان به نظر می‌رسد.

جدول ۲. رتبه‌بندی گزاره‌های وضعیت عقلانیت سیاسی در قانون تثبیت قیمت‌ها

ردیف	گزاره‌های مورد توجه	جامعه آماری	ردیف	گزاره‌های مورد توجه	جامعه آماری
۱	اقناع طبقات مرفه	۵	۵	تأثیر مثبت در فعالیت سیاسی شهروندان	۵
	عدم اقناع طبقات مرفه	۰		تأثیر منفی در فعالیت سیاسی شهروندان	۰
	خنثی	۰		خنثی	۰
۲	پذیرش از طرف اصول‌گرایان	۵	۶	حمایت شهروندان	۳
	نفی از طرف اصول‌گرایان	۰		عدم استقبال شهروندان	۰
	خنثی	۰		خنثی	۲
۳	پذیرش از طرف اصلاح‌طلبان	۰	۵		
	نفی از طرف اصلاح‌طلبان	۵			
	خنثی	۰			
۴	افزایش گرایش‌ها گریز از مرکز	۰	۵		
	کاهش گرایش‌ها گریز از مرکز	۵			
	خنثی	۰			



۳.۶. بررسی میزان رعایت عقلانیت قانونی در قانون تثبیت قیمت‌ها

بر اساس این نوع عقلانیت، دولت در پی توجه به الزامات قانونی است تا بدین وسیله «اطمینان قانونی» در رفتارهای دولت رعایت شود. اینکه این الزام به چه میزان در قانون تثبیت قیمت‌ها مورد توجه بوده است در جدول زیر برحسب رتبه‌بندی گزاره‌های مورد اشاره صاحب‌نظران حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد. گزاره ۱ و ۲ نشان می‌دهد که برحسب نظر مصاحبه‌شوندگان این قانون بر تبعیض و بی‌عدالتی در بین شهروندان دامن زده است که با ماهیت اسلامی نظام حاکم همخوانی ندارد. با توجه به گزاره‌های جدول زیر باید برچسب عدالتی بودن را این قانون پس بگیریم. یکی از دلایلی که وعده‌های عدالتی فعلاً محقق نشده، همین اقدامات منافی با عدالت است. گزاره‌های دیگر به ترتیب بیانگر رفتار دولت در قانون‌شکنی، بی‌توجهی به سازوکارهای اجرایی مطابق قانون، بی‌تجربگی نهاد دولت و مجری در امر اجراست. گزاره‌های زیر در رابطه منطقی با هم به سر می‌برند. بدین معنی که گزاره «تبعیض بین طبقات» با رتبه اول در جدول ۳ با گزاره استثنائات غیرمنطقی و بی‌توجهی به سازوکارهای قانونی اجرایی رابطه منطقی دارد. آمارهای جدول ۳ نشان می‌دهد که عقلانیت قانونی در تدوین و اجرایی این قانون چندان مورد توجه سیاست‌سازان نبوده است.

جدول ۳. رتبه‌بندی گزاره‌های وضعیت عقلانیت قانونی در قانون تثبیت قیمت‌ها

ردیف	گزاره‌های مورد توجه	جامعه آماری	ردیف	گزاره‌های مورد توجه	جامعه آماری
۱	افزایش تبعیض	۵	۴	قانونمندسازی توسط دولت‌ها	۴
	کاهش تبعیض	۰		عدم قانونمندسازی توسط دولت‌ها	۰
	خستگی	۰		خستگی	۱
۲	افزایش استثنائات غیرمنطقی	۵	۵	توجه به سازوکارهای اجرای قانونمند	۰
	کاهش استثنائات غیرمنطقی	۰		عدم توجه به سازوکارهای اجرای قانونمند	۳
	خستگی	۰		خستگی	۲
۳	انطباق با قوانین دیگر	۱			
	عدم انطباق با قوانین دیگر	۴			
	خستگی	۰			

۴.۶. بررسی میزان رعایت عقلانیت حرفه‌ای در قانون تثبیت قیمت‌ها

در این عقلانیت، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، روان‌شناسی اجتماعی، علوم ارتباطات، شاخه‌های محور علوم اجتماعی و دانش فنی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این عقلانیت، به جای رتبه‌بندی گزاره‌های مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان، بر وضعیت رعایت مؤلفه‌های مورد نظر عقلانیت حرفه‌ای در قانون تثبیت قیمت‌ها برحسب نظر مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است. چراکه اقتضای این عقلانیت تخصص‌محوری بود. الزاماً برای هر پرسش، یک مخاطب و یا برای چند پرسش، یک مخاطب مدنظر قرار گرفته است. وضعیت رعایت مؤلفه‌های حوزه عقلانیت حرفه‌ای در مورد قانون تثبیت قیمت‌ها به‌جز دو مورد که مثبت بودند، بیانگر توجه نکردن دولتمردان و سیاستمداران بر بُعد عقلانیت حرفه‌ای و عملی به هنگام سیاست‌گذاری است که نتیجه آن، دوگانگی وعده‌ها و عمل‌هاست؛ چراکه حوزه عقلانیت حرفه‌ای مهم‌ترین پایه عقلانیت ترکیبی در بحث کاربرد عملی سیاست‌هاست. توجه نکردن به این حوزه عقلانی نشانگر غفلت از تمهیدات اجرایی قوانین به هنگام تقنین است. همین توجه نکردن به الزامات عملی قانون مذکور موجب افول کارنامه درخشان سیاسی و اقتصادی قانون در بازه زمانی طولانی می‌شود.

جدول ۴. رتبه‌بندی گزاره‌های وضعیت عقلانیت حرفه‌ای در قانون تثبیت قیمت‌ها

رتبه	مؤلفه‌های عقلانیت حرفه‌ای	وضعیت رعایت مثبت منفی	رتبه	مؤلفه‌های عقلانیت حرفه‌ای	وضعیت رعایت مثبت منفی
۱	توجه به مکانیزم‌ها و مدل‌های ارتباطی	*	۶	توجه به نقش افراد متخصص	*
۲	توجه به نحوه ابلاغ دستورات	*	۷	توجه به تجربه‌های مشابه	*
۳	توجه به تعامل بین نهادهای اجرایی	*	۸	توجه به آموزش کارگزاران	*
۴	توجه به جامعه‌شناسی سازمان	*	۹	توجه به کارشناسی قبل از تفتین	*
۵	توجه به نظریات روانشناسی اجتماعی	*	۱۰	توجه به سیاست‌های مکمل	*

۷. نتیجه

تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با عقلانیت‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای در قانون تثبیت قیمت‌ها نشان می‌دهد که این قانون توانسته است با افزایش اشتغال، تأمین رفاه شهروندان و کمک به حفظ امنیت اقتصاد داخلی، افزایش درآمد ملی و، در پی، آن افزایش توان سرمایه‌گذاری، عملکرد رضایت بخشی به جای بگذارد. نتیجه مطلوب اقتصادی به دست آمده با تحولات سیاسی متعاقب قانون نیز هم‌پوشانی دارد. در واقع، دولت مجری و مدون را پیش مخاطبان محبوب و به تعبیر دیگر مقبول گردانده بود. مقبولیت عملکرد دولت اصولگرا نزد شهروندان موفقیت در دیگر عرصه‌های مورد نظر را برای دولتمردان و نهادهای حاکم سهل و ممتنع می‌گرداند. متخصصان علوم سیاسی موافق و منتقد منتخب بر آن بودند که در عرصه عقلانیت این اقدام موجب بهبود مشروعیت سیاسی و افزایش گرایش‌های تمایل به مرکز شده است که این هم نتیجه آن عملکرد اقتصادی مناسب می‌تواند به شمار رود. هرچند مخالفان (اغلب اصلاح‌طلبان) نیز مشمول این قانون بودند اما در تداوم و کاربست عملی آن خطری بزرگ به شمار می‌رفتند. نکته دیگر در عقلانیت سیاسی حائز اهمیت مقوله «کارگزار سیاست‌زده» است؛ طیف منتقدان اقدام صورت گرفته از طرف مجلس هفتم و اصول‌گرا را عملی سیاسی برای کسب، حفظ و تداوم قدرت داخلی خود می‌پنداشتند و در جاهای مختلف مصاحبه‌بان اشاره کردند. هرچند این نظرها ممکن است برآیند مواضع سیاسی طیف مخالف هم باشد اما دور از ذهن نیست که منافع سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها اولویت نخست را داشته باشد.

در عقلانیت قانونی با اشاعه و گسترش بی‌عدالتی، تبعیض و بی‌توجهی به قوانین بالادستی مواجه هستیم. این بی‌توجهی به عقلانیت قانونی می‌تواند مرحله اجرایی را به مخاطره اندازد و علاوه بر آن، در طولانی‌مدت بدعت «عدم امنیت قانونی» را برای سیاست‌گذاری‌های آتی به ارث بگذارد؛ که این هم می‌تواند در مرحله‌ای از اجرا از جمله عوامل ناکارآمدی این قانون باشد. در عقلانیت حرفه‌ای که مهم‌ترین رکن موفقیت سیاست‌ها در عرصه علمی و اجرایی به شمار می‌رود، مشهود است که متأسفانه جز دو مورد در جدول فراوانی مربوط، دیگر موارد به کلی مورد غفلت قرار گرفتند. بی‌توجهی به این بُعد عقلانیت در سیاست‌گذاری‌ها، مرحله دوم یعنی مرحله اجرایی سیاست‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. توجه نکردن به مکانیزم‌های ارتباطی و اجرایی، بازخوردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تجربه‌های پیشین و نظرهای افراد متخصص مرتبط، به مرور زمان، ضمن خدشه‌دار کردن مرحله کاربست عملی قوانین، موجب گسست رابطه ملت از دولت و مسئولین خواهد شد؛ یعنی کم‌توجهی در مرحله حرفه‌ای سیاست‌ها ممکن است آن موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی را خدشه‌دار کند که تا حدودی چنین نیز شده است. بالاخره در سال ۱۳۸۸ اغلب مدوّنان و مدافعان اصلاح ماده ۳ برنامه چهارم توسعه، به قانون هدفمند کردن یارانه‌ها





رای مثبت دادند. هدفمند کردن یارانه‌ها پوششی دیگر بود برای افزایش تدریجی قیمت حامل‌های انرژی که ماده ۳ برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۳ بیان می‌کرد و این شکستی تدریجی برای قانونی است که مدعی بود سد راه افزایش قیمت بی‌سامان حامل‌های انرژی شده است.

چند نکته کلیدی را می‌توان از لابه‌لای پاسخ‌های به‌دست‌آمده در ناکارآمدی قانون معروف به تثبیت قیمت‌ها برشمرد:

- کارگزار سیاست‌زده. طبق نظر طیف منتقد و مخالف، این قانون در اوایل مجلس هفتم به دلیل اینکه می‌توانست وعده‌های اصول‌گرایان را در بدو ورود به مجلس عینیت بخشد و مقدمه‌ای برای پیروزی آن‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم، یعنی سال ۱۳۸۴، باشد، مورد توجه قرار گرفته است. اگر آنچه طیف منتقد گفته‌اند، صادق باشد، در واقع منافع گروهی و جناحی محرک این قانون بوده است و این امر موجب می‌شود قانون اخذشده بعد از مدتی به دلیل کسب منافع موردنیاز به تعلیق و یا به دلیل تأمین منافع دیگری تغییر کند و کم و بیش نیز نتیجه چنین به نظر می‌رسد؛ چراکه هدفمند کردن یارانه‌ها با موضعی کاملاً متفاوت در بازه زمانی دیگری مورد توجه این طیف قرار گرفت.

- ناهمسان‌پنداری عقلانیت‌های مؤثر در سیاست‌گذاری. نتیجه حاصل از کارنامه قانون تثبیت قیمت‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان با ناهمسان‌پنداری ابعاد مختلف عقلانیت به سیاست‌گذاری پرداخت. اسنلن تأکید داشت که موفقیت یک سیاست در گرو توجه لازم به ابعاد مختلف عقلانیت در سیاست‌گذاری است و باید از یک ابرعقلانیت پرهیز کرد. این درحالی است که ما در قانون تثبیت قیمت‌ها متوجه ناهمسان‌پنداری ابعاد مختلف عقلانیت شدیم. ناهمسان‌پنداری لزوماً به معنای توجه یکسان به همه ابعاد عقلانیت نیست بلکه منظور توجه لازم و در نظر گرفتن الزامات همه عقلانیت‌هاست، بی‌آنکه دامنه یک نوع از عقلانیت را دیگر عقلانیت‌ها مورد خدشه قرار دهند.

- توجه نکردن به تئوری‌های علمی و تمهیدات اجرایی. علت دیگر عدم موفقیت در مرحله اجرای این قانون را باید در مرحله تقنین و توجه به ابعاد و مکانیزم‌های اجرایی جستجو کرد که به اذعان نخبگان، حوزه حرفه‌ای این عقلانیت به کلی مورد غفلت قرار گرفته بود. توجه نکردن به حوزه‌های علمی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی سازمان، تئوری‌های ارتباطی علوم ارتباطات و الزامات اجرایی سیاست‌ها نظیر توجه به تجربه‌های پیشین و مشابه، اتخاذ سیاست‌های مکمل و نظیر آن‌ها، همه می‌توانند از عوامل گذر از این قانون به شمار روند. شایسته است گفته پرسمن و ویلداوسکی، محققان برجسته مدیریت دولتی، را مجدداً مرور کنیم: بزرگ‌ترین مشکل در اجرای سیاست‌ها را باید در توجه نکردن به تمهیدات خاص در مرحله شکل‌گیری آن تلقی کنیم (دنهارت، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳).

در مجموع، چارچوب نظری اسنلن می‌تواند الزامات حین سیاست‌گذاری، نظیر توجه توأمان به هر دو مرحله تدوین و اجرا را در نظر بگیرد و برای سیاست‌سازان محملی مطلوب رقم بزند. از طرفی دیگر، این چارچوب می‌تواند الزامات بعد از سیاست‌گذاری، نظیر تجمع بازخوردهای جوامع عملی برای بهبود سیاست‌گذاری‌های انجام‌گرفته یا آتی، را برای سیاست‌سازان و تحلیل‌گران مهیا کند. همان‌طور که در این پژوهش عملیاتی شد، نظرهای بیست متخصص در بیش از ده حوزه علمی جمع‌آوری و در چند صفحه کوتاه تجزیه و تحلیل شد، که از نتایج و دست‌آوردهای این مدل به شمار می‌رود. علاوه بر این‌ها، می‌توان از توانایی این الگو در الزامات قبل از سیاست‌گذاری (آمایش) نیز بهره برد؛ هرچند این مقام هنوز آزمون نشده است و پژوهش مستقلی می‌طلبد، اما به نظر محققان، می‌توان با این الگو قبل از اتخاذ سیاستی، الزامات عقلانیت‌های چهارگانه - عقلانیت‌های بیشتر بعد از جرح و تعدیل مدل اسنلن - را از متخصصان جویا شد و نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی و رفع کرد.

کتابنامه

- برزگر، ابراهیم و صیاد حسین زاده. (۱۳۹۵). «بررسی عقلانیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران: مطالعه موردی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها». فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۲. شماره ۱. صص ۷۹-۵۱.
- حسین زاده، صیاد. (۱۳۹۵). نظریه عقلانیت و مصوبات عدالتی مجلس شورای اسلامی دوره هفتم و هشتم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. دنهارت، رابرت. (۱۳۸۰). *تئوری‌های سازمان دولتی*. ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات صفار.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳-۱۳۸۸. کریمی، صدیقه. (۱۳۹۲). روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه. عیار پژوهش در علوم انسانی. سال چهارم، شماره اول. بهار و تابستان. صص ۷۱-۹۴.
- Ferman, B. (1990). "when failure is success: Implementation and Madisonian Government". in: Palumbo D. J. and Calista D. J. (1990). *Implementation and Policy Process: opening up the black box*. Greenwood Press Inc. USA.
- Pressman J. and Wildavsky A. (1973); *How Great Expectation in Washington are Dashed in Oakland*, 3rd ed. University of California Press, Berkley.
- Slack J. D. (2005). "Limitation Policy Implementation Research". *Public Administration Quarterly*. vol. 29. No.1/2 (SPRING 2005-SUMMER 2005), pp. 3-6.
- Snellen, Ignace. (2002). "Conciliation of Rationalities: the Essence of Public Administration". *Administrative Theory & Praxis*. Vol. 24. No. 2, pp. 323-346